



آثار اخروی قرض الحسنه از منظر فریقین

عبدالرحمن نجفی
استاد حوزه و دانشگاه

چکیده

بحث از قرض الحسنه، بحث نوینی نیست، بلکه در هر یک از قرآن کریم و روایات اسلامی مطرح شده و به تبع آن بسیاری از مفسران قرآن و علماء علم اخلاق به آن پرداخته‌اند، ولی به نظر می‌رسد که هنوز جای بحث از آن زیاد است. تا فرهنگ آن، به نحو کامل در بین افراد جامعه احیا شود و اغنیاء، در موارد لازم، اموالی را در قالب قرض الحسنه و وام‌های بدون ربا، در اختیار نیازمندان قرار دهند و به این سبب، ربا از جامعه اسلامی رخت بر بندد، به همین جهت به بررسی آثار و فواید قرض الحسنه پرداخته‌ایم و در دو شماره قبل، آثار تربیتی قرض الحسنه در هر یک از قرض دهنده و قرض گیرنده را مورد بررسی قرار دادیم و اینک به بررسی آثار اخروی قرض الحسنه از منظر فریقین پرداخته‌ایم و آثاری نظیر عاقبت به خیری، دوری از آتش دوزخ، دوری از آتش دوزخ، معیت الهی، بخشش گناهان، آموزش و تشکر خداوند و ورود به بهشت برای آن بیان کرده‌ایم.

واژگان کلیدی: آثار، قرض، قرض الحسنه، آثار اخروی.

بر اساس روایت فوق، یکی از اعمالی که شقاوت را به سعادت تبدیل می‌کند و موجب آن می‌گردد که انسان شقی، عاقبت به خیر شده و دست از شقاوت خود بردارد، انجام معروف است و از آنجایی که کاملترین مصداق «انجام معروف» قرض الحسنه است، چنانکه در روایتی آمده است: «إِنَّمَا شُدِّدَ فِي تَحْرِيمِ الرَّبَا لِثَلَاثِ مَتْنَعِ النَّاسُ مِنْ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ قَرْضًا؛ به درستی در تحریم ربا، سخت گرفته شد، تا مردم از انجام معروف در قالب قرض، امتناع نوزندند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۷۰)، بنابراین می‌توان گفت: یکی از فوائد قرض الحسنه، عاقبت به خیری افراد است، زیرا عاقبت امر همه افراد، به دست خداست و طبق آیات و روایات، قرض دهنده، در واقع با خدا معامله کرده است.

۲. دوری از آتش دوزخ؛

دومین اثر اخروی قرض الحسنه، دوری هر یک از قرض دهنده و قرض گیرنده از جهنم است، چنانکه در روایاتی آمده است:
أ. «إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى عَبْدِهِ بِنِعْمَةٍ صَبَرَ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْهِ فَإِنْ قَضَاهَا مِنْ غَيْرِ اسْتِخْفَافٍ بِهَا أَسْكَنَهُ الْفِرْدَوْسَ الْأَعْلَى وَإِنْ لَمْ يَقْضِهَا وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى قَضَائِهَا نَزَعَ اللَّهُ مِنْهُ صَالِحَ مَا أَعْطَاهُ وَأَسْكَنَهُ نَارَ جَهَنَّمَ وَبُنْسَ الْمَصِيرُ وَكَمْ يَنْبَلُ شَفَاعَةَ رَسُولِ اللَّهِ (ﷺ)؛ وقتی خدا به بنده اش نعمتی دهد، مردم نیازمند به او می‌گردند، پس

قرض الحسنه، آثار اخروی فراوانی دارد به بررسی برخی از آن می‌پردازیم:

۱. عاقبت به خیری؛

یکی از آثار قرض الحسنه، عاقبت به خیری شخصی است که به این سنت خدا پسندانه اقدام می‌ورزد و در مقابل مبتلا شدن به ربا، به قرض الحسنه روی می‌آورد، چنانکه در برخی از روایات آمده است:

أ. «مَنْ أَحْسَنَ إِلَى النَّاسِ حَسَنَتَ عَوَاقِبُهُ وَسَهَّلَتْ لَهُ طُرُقُهُ؛ هر که به مردم نیکی کند، عاقبت به خیر می‌شود و مسیر زندگانی اش آسان می‌گردد» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، هـ، ص ۴۳۶).

ب. «فَعِلِ الْمَعْرُوفَ يَقْبِ مَصَارِعَ السُّوءِ؛ انجام معروف، انسان را از بلاهای بد می‌رهاند» (قضاعی، ۱۳۶۱، ص ۳۱).

ج. «الْصَّدَقَةُ عَلَى وَجْهٍ وَاصْطِنَاعُ الْمَعْرُوفِ وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَصَلَةُ الرَّحِمِ تَحُولُ الشَّقَاءَ سَعَادَةً وَتَزِيدُ فِي الْعُمُرِ وَتَقْبِي مَصَارِعَ السُّوءِ؛ کمک به نیازمندان، هر گاه به صورت صحیح انجام گیرد و انجام معروف و نیکی به پدر و مادر و صله رحم، شقاوت را به سعادت، مبدل می‌کند و عمر را طولانی و از خطرات جلوگیری می‌نماید» (رشید الدین میبیدی،

۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲۱۲).

چنانچه بدون هیچ توهین و استخفافی، نیاز مردم را برطرف سازد، خدا او را در فردوس اعلی جای دهد، ولی چنانچه با آنکه می تواند نیاز دیگران را برطرف سازد، از انجام چنین کاری ابا و ورزد، خدا صلاح نعمتی که به او عطا نموده را از او می گیرد و در دوزخ مسکنش دهد و به شفاعت رسول

خدا (ﷺ) نمی رسد» (دیلمی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ص ۲۵۹).

ب. «إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً صَبَرَ حَتَّى يَنْتَظِرَ أَفْضَالَهَا مِنْ غَيْرِ اسْتِخْفَافٍ مِنْهُ أَسْكِنَ الْفَرْدُوسَ وَإِنْ لَمْ يَفْضُلْهَا أَسْكِنَ نَارَ جَهَنَّمَ وَنَزَعَ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاحَ مَا أُعْطَاهُ وَلَمْ يَنْلُ شَفَاعَةَ رَسُولِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ وَتَمَّتْ خُذَا بِه بِنْدَه اش نَعْمَتِي دَهْد، مَرْدَم نِيَا مَنْد بَه اُو مِي گَرْدَنْد، پَس چنانچه بدون هیچ توهین و استخفافی، نیاز مردم را برطرف سازد، خدا او را در فردوس اعلی جای دهد، ولی چنانچه از انجام چنین کاری ابا و ورزد، وارد آتش دوزخ می شود و خدا صلاح آنچه به او داده را از او می گیرد و در روز قیامت، به شفاعت رسول خدا

نائل نمی شود» (طبرسی، ۱۳۸۵ هـ.ق، ص ۳۳۳).

روایات فوق، بیانگر آنند که یکی از ضررهای اخروی ترک قرض الحسنه، آن است که انسان های غنی ای که می توانند از مشکلات مردم گره گشایی نمایند و در موارد لزوم، اموالی را در اختیار آنان قرار دهند و از چنین کاری امتناع می ورزند، وارد دوزخ خواهند شد، همانگونه که کسانی که قرض الحسنه انجام می دهند و چنین سنت حسنه ای را در جامعه، رواج می بخشند، یکی از آثار اخروی کارشان آن است که از عذاب دوزخ به دور میمانند.

۳. معیت الهی؛

سومین اثر اخروی قرض الحسنه، معیت الهی است و قرض دهنده و قرض گیرنده ای که ربا را ترک نموده و به دنبال قرض الحسنه رفته اند، همواره با خدای متعال، معیت دارند و از لطف و رحمت خاص الهی برخوردارند، چنانکه در سوره مائده آمده است: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَآئِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آنها دوازده رهبر و سرپرست برانگیختیم و خداوند به آنها گفت: من با شما هستم، اگر نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و به رسولان من، ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید و به خدا قرض الحسنه بدهید، گناهان شما را می پوشانم و شما را در باغ های بهشت که نهرها از زیر درختان آن جاری است، وارد می کنم، اما هر کس بعد از این کافر شود، از راه راست، منحرف گردیده است» (مائده: ۱۲).

براساس آیه ی فوق، هر کسی که پنج کار را انجام دهد، از معیت الهی برخوردار می گردد: اقامه نماز، پرداخت زکات، ایمان به رسولان الهی، یاری رسولان الهی و رواج سنت قرض الحسنه. در عالم تنها دو مسیر است که آن دو نیز در مقابل یکدیگرند، یکی مسیر الهی و دیگری مسیر شیطانی، به همین جهت در

برخی از آیات قرآن کریم آمده است:

أ. «وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ؛ وَ اُو رَا بَه خَیْر و شَرَّش هِدَايَتِ نَمُودِیم» (بلد/ ۱۰).

ب. «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ؛ بگو این حق است از سوی پروردگارتان، هر کس می خواهد ایمان بیاورد و هر کس می خواهد، کافر گردد» (کهف/ ۲۹).

کسی که گام در راه مسیر الهی نهد، غرق در ناز و نعمت می شود و ممکن است از مقام عنداللهی برخوردار گردد، چنانکه در سوره ی قمر، یکی از پادشاه های نیکو کاران، برخوردار از مقام عنداللهی دانسته شده و در این باره آمده است: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ، فِي مَقْعَدِ صَدَقٍ عِنْدَ مُلْكٍ مُقْتَدِرٍ؛ پرهیزگاران در باغ ها و نهر های بهشتی جای دارند، در جایگاه صدق، نزد خداوند مالک مقتدر» (قمر/ ۵۵-۵۴).

در مقابل نیکوکاران، افراد گنهکار هستند که در اثر گناه و اشتباهشان، خود را از ولایت الهی خارج نموده اند و دچار ولایت شیطانی شده اند و همواره با شیطان به سر می برند، چنانکه در

برخی از آیات قرآن کریم آمده است:

«إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ؛ ما شِیاطِین رَا اُولِیای کَسَانِی قَرَار دَا دِیم کِه اَیْمَانِ نَمِی آوَرِنْد» (اعراف/ ۲۷).

«فَرِيقًا هَدَى وَ فَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ؛ جمعی را هدایت کرده و جمعی، گمراهی بر آنها مسلم شده است، آنها کسانی هستند که شیاطین را به جای خداوند، اولیای خود انتخاب کردند و چنین گمان می کنند که هدایت یافته اند».

چنین نیست که شیطان، بدون هیچگونه زمینه ای بر انسان ها مسلط شود، بلکه چنانچه زمینه ی گناه و معصیت در کسی باشد، شیطان بر او مسلط می شود و چنانچه زمینه ی گناه در فردی نباشد، شیطان، سیطره ای بر او ندارد، چنانکه در سوره نحل آمده است: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ، إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَكَّلُونَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِمَشْرُكُونَ؛ شیطان، تسلطی بر کسانی که ایمان آوردند و بر پروردگارشان توکل می کنند، ندارد و تنها تسلط او، بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده اند و آنها که نسبت به او شرک می ورزند» (نحل/ ۱۰۰-۹۹).

با توجه به آیه ی فوق، شیطان تنها بر کسانی مسلط می شود که زمینه ی تسلط او را در خود ایجاد کرده باشند و در اثر گناه و معصیت، از ولایت الهی خارج شده باشند که در برخی از موارد، ممکن است چنان تنزل نمایند که شیطان نیز به آنان توجه نکرده و آنان را در ولایت خویش قرار ندهد، چنانکه در سوره حشر آمده است: «كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ کار منافقان همچون شیطان است که به انسان گفت: کافر شو، اما هنگامی که کافر شد، گفت: من از تو بیزارم، من از خداوندی که پروردگار عالمیان است، بیم دارم» (حشر/ ۱۶).

بنابراین نیکوکاران از ولایت الهی و از لطف و رحمت خاصه برخوردارند، به خلاف گنهکاران، که از ولایت شیطانی بهره مندند و از آنجایی که قرض الحسنه، یکی از کارهای خوب و زیبا است،





موجب آن می شود که آدمی از رحمت خاصه و معیت الهی برخوردار گردد.

۴. بخشش گناهان؛

چهارمین اثر اخروی قرض الحسنه، بخشش گناهان است، چنانکه در سوره مائده آمده است: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَآئِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آنها دوازده رهبر و سرپرست برانگیختیم و خداوند به آنها گفت: من با شما هستم، اگر نماز را برپا دارید و زکات را پردازید و به رسولان من، ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید و به خدا قرض الحسنه بدهید، گناهان شما را میپوشانم و شما را در باغهای بهشت که نهرها از زیر درختان آن جاری است، وارد می کنم، اما هر کس بعد از این کافر شود، از راه راست، منحرف گردیده است» (مائده/ ۱۲).

بخشش گناهان افراد غنی ای که در هنگام مشکلات و گرفتاری ها به یاری دیگران می شتابند، بدان جهت است که آنان، از عهده وظیفه ای که داشتند، بر آمدند و با اموالی که خداوند متعال در اختیار آنان نهاده بود، مشکلات بندگان خدا را برطرف ساختند، چنانکه در روایاتی آمده است:

أ. «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْخَلْقُ عِيَالِي فَأَحْبَبُهُمْ إِلَيَّ أَلْفُفُهُمْ بِهِمْ وَ أَسْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ» خداوند متعال فرمود: خلق، نانخور من هستند، پس محبوب ترین آنان به من، کسی است که مهربانترین آنان به نان خورهای من و پر تلاش ترین آنان در رفع نیاز نان خورهای من باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ج ۲، ص ۱۹۹، ح ۱۰).

ب. «الخلق عيال الله فاحبب الخلق الى الله من احسن الى عياله؛ خلق، نانخور خدایند، پس محبوبترین خلق به خدا، کسی است که به عیال او نیکی کند» (مطهری، ۱۴۱۲ هـ.ق، ج ۱، ص ۴۰۹). بر اساس برخی از روایات نیز یکی از عوامل قوام دین و دنیا، انسانهای سرمایه داری هستند که هنگام مشکلات، به یاری نیازمندان می شتابند و مایه دلگرمی آنان می شوند، چنانکه در روایتی از حضرت علی (علیه السلام) آمده است: «ای جابر! قوام و استواری دین و دنیا به چهار گروه است:

- ۱- عالم و دانشمندی که علم خود را به کار گیرد.
 - ۲- نادانی که از فراگیری سر باز نزند.
 - ۳- سخاوتمندی که در بذل و بخشش بخل نورزد.
 - ۴- نیازمندی که آخرتش را به دنیا نفروشد.
- از این رو هرگاه عالم، علمش را ضایع کند و به کار نگیرد، جاهل از فراگیری علم، خودداری خواهد کرد (زیرا به علم عالم بدین می شود) و هرگاه اغنیاء در نیکی بخل ورزند، نیازمندان آخرت خود را به دنیا می فروشند» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ص ۵۴۱).

بنابر روایات فوق، وقتی از طرفی سخاوتمندان، موجب قوام دین و دنیا و از طرف دیگران، جزو محبوبترین افراد، نزد خداوند متعال محسوب می گردند، یقیناً نزد خدا، از مقام خاصی برخوردار بوده و گناهانشان مورد عفو و بخشش الهی قرار میگیرد.

۵. آموزش و تشکر خداوند؛

پنجمین اثر قرض الحسنه، آموزش و تشکر خداوند از انسانی است که با آنکه می تواند نظیر مادی گریبان، تنها به فکر جمع آوری ثروت و زراندوزی برای خود باشد و با استفاده از اموال خود، در جهت افزایش اموال شخصی خود گام بردارد و آن را در امور تجارت و داد و ستد صرف نماید - که هر چند در ذات خود، کار ارزشمندی است و موجب تولید و اشتغال می گردد و از ثواب عظیمی برخوردار است - و یا آنکه مال خود را در قالب قرض های ربوی، به دیگران سپارد و بدون آنکه کار و تلاشی کند، نظیر زالو صفستان، خون های جماعت دیگر را بمکد، اما از روحیه انسان دوستی برخوردار بود و وقتی دید شخصی نیاز به اعطای قرض الحسنه دارد، تا گره از کار خود بگشاید، نه تنها بدون هیچ چشم داشتی اموال خود را در اختیار او نهاد، بلکه در دنیای اقتصادی کنونی، که ماندن پول در یکجا و یا قرض دادن بدون بهره آن، موجب پایین آمدن ارزش آن می گردد، با توجه به آنکه اعطای قرض الحسنه به دیگران، ارزش اقتصادی اموال او را می کاهد، اموال خود را در اختیار نیازمندان گذاشت و در این راه تنها و تنها رضای خداوند متعال را در نظر گرفت و به امید عفو و بخشش او گام برداشت.

آری! چه بسیار زیاست آموزش و تشکر خدای متعال، از کسانی که در دنیای اقتصادی کنونی، که هیچ کسی به فکر دیگری نیست و هر کسی، تنها و تنها به فکر جمع آوری مال و ثروت اندوزی خود است و صحنه ای از قیامت مجسم گشته است که خدای متعال در سوره عبس فرمود: «فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ، يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ؛ هنگامی که آن صدای مهیب (صیحه رستاخیز) بیاید. در آن روز که انسان از برادر خود فرار می کند. و از مادر و پدرش. و زن و فرزندان. در آن روز هر کدام از آنها وضعی دارد که او را کاملاً به خود مشغول می سازد» (عبس، ۳۷-۳۳).

آری! همانگونه که در روز قیامت، مشغولیت افراد به عملکردشان و برآمدن از عهده حساب آن، آنان را غافل از آن می دارد که به فکر دیگران و حتی عزیزان و دلبستگان و نزدیکترین افراد به خود باشند، امروزه نظیر وضعیت اقتصادی افراد، به گونه ای شده است که همه انسان ها، تمام تلاش و کوشش خود را در آن جهت مصروف می دارند که بتوانند به نیاز اقتصادی خود و زن و فرزندان پاسخگو باشند و یا نمی توانند به فکر گرفتاری های دیگران باشند و قدرت آن را ندارند و یا چنان دچار غفلت گشته اند که توجهی به اطراف خود ندارند.

در چنین اوضاع و شرایطی اگر سخاوتمندانی یافت شوند که به فکر گره گشایی از مشکلات دیگران باشند، چه زیبا و دلنواز است آموزش و تشکر خداوند متعال از آنان. همانگونه که در سوره تغابن آمده است: «إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يضاعفهْ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ، عالم الغیب و الشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» اگر به خدا قرض الحسنه دهید، آن را برای شما مضاعف می سازد و شما را می بخشد و خداوند شکرکننده و بردبار است، از پنهان و آشکار با خبر است و او عزیز و حکیم است» (تغابن، ۱۸-۱۷).

در آیات فوق، ابتدا خداوند متعال، به شکور و حلیم بودن متصف گردید و آنگاه در ادامه آمده است که خداوند متعال، نسبت به همه آشکار و پنهان، با خبر است و عزیز و حکیم است. اتصاف



خدا به شکور و حلیم بودن، بیانگر آن است که خدا، از کسی که به دیگران قرض الحسنه می‌دهد، تشکر می‌کند و از طرفی نیز حلیم بوده و در مقابل گناهان او، حلم و بردباری به خرج می‌دهد و او را مشمول آمرزش خود می‌گرداند، هر چند مراد از شکرگزاری خداوند متعال، آن است که به مقداری که بندگان در مسیر طاعت او گام برمی‌دارند، آنها را مشمول مواهب و الطاف خویش می‌سازد و از آنها تشکر و سپاسگزاری می‌کند و از فضل خود، بیش از آنچه استحقاق دارند، بر آنها می‌افزاید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۱).

همانگونه که اتصاف خدا، به عالم به همه پنهان و آشکار، تأکیدی بر اهمیت مسأله قرض الحسنه است و می‌رساند که هیچکاری که انسان در آشکار و پنهان انجام می‌دهد، از دید الهی مخفی نمی‌ماند و خدا، به همه آن آگاهی دارد و نیازی به آن نیست که اگر انسان، مقداری قرض الحسنه به دیگران عطا نمود، در آشکارا اعلام نماید تا دیگران با خبر گردند و چه بسا آبرو و حیثیت کسی که از او قرض گرفته، از بین برود، بلکه اگر پنهان بگذارد و کسی را از آن با خبر نسازد، نیز خدا به اعمال او آگاه بوده و از اجر و ثواب آن برخوردار می‌گردد.

در ادامه آیات فوق، خداوند متعال به دو صفت «عزیز» و «حکیم» بودن متصف شده است، تا برساند که عزت از آن خدای متعال است و کسی که به مسأله قرض الحسنه اهتمام ورزد، خدا از عزت خویش، او را بهره‌مند می‌سازد و بر عزت و عظمت او می‌افزاید و چنین کاری را بیهوده انجام نداده، بلکه به مقتضای حکمت خویش و در برابر اقدام انسان بر اعطای قرض الحسنه به نیازمندان، انجام می‌دهد.

۶. ورود به بهشت؛

ششمین اثر اخروی قرض الحسنه، ورود به بهشت است، چنانکه در شأن نزول آیه شریفه «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» کیست که به خدا [قرض الحسنه‌ای] دهد، تا آن را برای او، چندین برابر کند؟ و خداوند است که روزی بندگان را محدود، یا گسترده می‌سازد و به سوی او باز می‌گردید» (بقره/ ۲۴۵)، آمده است: «روزی پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: هر کس صدقه‌ای بدهد، دو برابر آن رادر بهشت خواهد داشت. «ابوالدحداح انصاری» عرض کرد: ای رسول خدا (ﷺ)! من دو باغ دارم، اگر یکی از آنها را صدقه بدهم، دو برابر آن را در بهشت خواهم داشت. فرمود: آری.

عرض کرد: ام‌الدحداح نیز با من خواهد بود؟ فرمود: آری. عرض کرد: فرزندان نیز با منند؟ فرمود: آری.

سپس او باغی را که بهتر بود، به عنوان صدقه به پیامبر (ﷺ) داد، آیه‌ی فوق نازل شد، و صدقه او را دو هزار برابر برای او کرد. ابو‌الدحداح باز گشت و همسرش ام‌الدحداح و فرزندان را در آن باغی دید که صدقه قرار داده بود، به در باغ ایستاد و نخواست وارد آن شود و همسرش را صدا زد و گفت: من این باغ را صدقه قرار داده‌ام و دو برابرش را در بهشت خریداری کرده‌ام و تو و فرزندان نیز با من خواهید بود. همسرش گفت: مبارک است آنچه را فروخته و آنچه را خریده‌ای، پس همگی از باغ خارج شدند و آن را به پیامبر (ﷺ) تسلیم کرد.

پیامبر (ﷺ) فرمود: «چه بسیار نخل‌هایی در بهشت که شاخه‌هایش برای ابی‌الدحداح آویزان شده است» (اسفرائینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۶۷).

روایت فوق، بیانگر پاداش فراوانی است که برای عمل قرض الحسنه در قیامت وجود دارد و عامل بهشتی شدن شخصی می‌گردد که به این سنت حسنه اقدام ورزیده است، به همین جهت در سوره مائده آمده است: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آنها دوازده سرپرست برانگیختیم و خداوند به آنها گفت: من با شما هستم، اگر نماز را برپا دارید و زکات بپردازید و به رسولان من، ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید و به خدا قرض الحسنه بدهید، گناهان شما را می‌پوشانم و شما را در باغ‌های بهشت که نهرها از زیر درختان آن جاری است، وارد می‌کنم، اما هر کس بعد از این کافر شود، از راه راست، منحرف گردیده است» (مائده/ ۱۲).

جمع بندی و نتیجه گیری

قرض الحسنه آثار و برکات فراوانی در آخرت برای هر یک از قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده دارد، که برخی از آن، عاقبت به خیری، دوری از آتش دوزخ، معیت الهی، بخشش گناهان، آمرزش و تشکر الهی و ورود به بهشت و برخورداری از ثوابی مضاعف می‌باشد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دار الکتب العلمیه، بیروت، اول، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، اول، ۱۴۱۹ هـ.ق.
۴. اسفرائینی، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للعاجم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، اول، ۱۳۷۵.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات، قم، اول، ۱۳۶۶.
۶. دروزه، محمد عزت، التفسیر الحدیث، دار احیاء الکتب العربیه، قاهره، ۱۳۸۳ ق.
۷. دیلمی، حسن بن محمد، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، مؤسسه آل البیت (علیهم‌السلام)، قم، اول، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۸. رشیدالدین میبیدی، احمد بن ابی سعد، کشف الاسرار و عدۀ الابرار، انتشارات امیرکبیر، تهران، پنجم، ۱۳۷۱ هـ.ش.
۹. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر الماثور، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۱۰. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، هجرت، قم، اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۱۱. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، المکتبه الحیدریه، نجف، دوم، ۱۳۸۵ هـ.ق.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، سوم، ۱۳۷۲ هـ.ش.
۱۳. قضاوی، محمد بن سلامه، شرح فارسی شهاب الاخبار، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، اول، ۱۳۶۱ هـ.ش.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۱۵. مظهری، محمد ثناءالله، التفسیر المظهری، مکتبه رشیدی، پاکستان، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، سی و دوم، ۱۳۷۴.
۱۷. لیبی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، دار الحدیث، قم، اول، ۱۳۷۶.